

مطالعه توسعه مالی بین‌الملل و نقش آن بر جهانی شدن اقتصاد در کشور ایران با استفاده از داده‌های تابلویی

*آنامحمد آق ارکاکلی^۱، محمود یحیی زاده‌فر^۲، مهدی نوبخت^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران

۲. استاد گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه مازندران

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران، کارشناس تأمین اجتماعی

(دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۸)

International Financial Development Study and Its Effect on Economy's Globalization In Iran by Using Panel Data

*Annamohammad Agharkakli¹, Mahmood Yahyazadehfar², Mehdi Nobakht³

1. Ph.D. Student of Business Management, Islamic Azad University, Gonbad Kavous, Iran

2. Professor of Business Management, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

3. Ph.D. Student of Economics, University of Allameh Tabatabaiee, Tehran, Iran

(Received: 17/March/2015

Accepted: 9/July/2015)

Abstract:

The purpose of this paper is measuring of international financial development and its effect on economy's globalization in South-West Asia countries and Iran during the years 2004-2011. To do so, we have applied the data that published by the World Bank in 2014. In this research, Eviews econometric software and panel data method are used. The results of measure has shown that the international financial development index in south-west Asia countries during the years 2004-2011 is estimated at 0.21. and the average score of 0.39 is for Iran. So, in the international financial setor, Iran has tited as relatively developed country among the south-west Asian countries. The results have shown that the international financial development index in southwest Asia and Iran is negative with a decreasing trend and also the index has decreased over the period. Finaly the results have shown that the relationship between international financial development index and economy's globalization is significant.

Keywords: Inernatioal Financial Sector, Financial Development, Trend, South-West Asian Region.

JEL: F3, F6, O16.

چکیده:

هدف تحقیق حاضر اندازه‌گیری و سنجش توسعه بخش مالی بین‌الملل و بررسی اثر آن بر جهانی شدن اقتصاد در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و ایران طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۱ با استفاده از جدیدترین اطلاعات منتشره بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ می‌باشد. در این تحقیق از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews و الگوی رگرسیونی داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. بر اساس نتایج این مطالعه میانگین شاخص توسعه مالی بین‌الملل در منطقه آسیای جنوب غربی طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۱ معادل ۰/۲۱ برآورد شده است و متوسط این امتیاز برای ایران معادل ۰/۳۹ بوده که با این امتیاز، ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه در ردیف کشورهای نسبتاً توسعه یافته در زمینه توسعه بخش مالی بین‌الملل قرار می‌گیرد. در نهایت نتایج حاصل از الگوی روند نشان می‌دهد که، شاخص توسعه مالی بین‌الملل در منطقه آسیای جنوب غربی و کشور ایران روند نزولی و منفی داشته و مقدار شاخص، طی دوره کاسته شده است. در زمینه اثر توسعه مالی بین‌الملل بر شاخص جهانی شدن اقتصاد، نتایج تحقیق نشان داد که رابطه معناداری بین توسعه مالی بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: بخش مالی بین‌الملل، توسعه مالی، روند، منطقه آسیای جنوب غربی.

طبقه‌بندی JEL: F3, F6, O16.

* نویسنده مسئول: آنامحمد آق ارکاکلی

E-mail: Am.agharkakli@gmail.com

*Corresponding Author: Annamohammad Agharkakli

۱- مقدمه

توزیع درآمد و کاهش نابرابری در کشورها می‌شود (نجارزاده و مهدوی راسخ، ۱۳۸۷: ۵۴). و در مقابل منتقدان ادعا می‌کنند که سطوح بالاتر از جهانی شدن، به دلیل ناامنی اقتصادی و ریسک، اثر سوئی بر اقتصاد ملی دارد که منجر به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود (حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۶). یکی از تأثیرات مثبت جهانی شدن، بر اساس مطالعات به عمل آمده، این است که در آمریکا، هر یک میلیارد دلار افزایش صادرات، موجب افزایش دو میلیارد دلار درآمد، ۴۰۰ میلیون دلار درآمد مالیات، و حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار شغل جدید می‌گردد (مدهوشی و تاری، ۱۳۸۶: ۱۹۶). دیگر اینکه بین سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۹۶، هزینه سه دقیقه مکالمه تلفنی بین شهرهای نیویورک و لندن از ۳۰۰ دلار تنها به یک دلار به قیمت سال ۱۹۹۶ کاهش یافت (کوسا، ۱۳۷۸: ۹۰). که این کاهش شدید هزینه‌های ارتباطی و حمل و نقل به نوبه خود ادغام بیشتر بین بازارها، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و فروشندگان را موجب شده است (همان). بنابراین با توجه به اهمیت بخش مالی و نقش آن بر عملکردهای اقتصادی، هدف این تحقیق، سنجش توسعه مالی بین‌الملل کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، و بررسی نقش آن در جهانی شدن اقتصاد این کشورها، با تأکید بر کشور ایران می‌باشد، که در صورت اثبات تأثیر مثبت توسعه مالی بین‌الملل بر جهانی شدن اقتصاد، بایستی سیاست اصلاح و توسعه بخش مالی اقتصاد در اولویت این کشورها قرار گیرد. به عبارت دیگر، اتخاذ این سیاست، باعث افزایش بیشتر تجارت در اقتصاد شده و باعث فراهم آوردن بستر مناسب برای آزاد سازی تجاری و توسعه تجارت می‌شود. این مقاله در شش بخش تنظیم شده که در بخش دوم به بیان مباحث نظری، و در بخش سوم به پیشینه تحقیق پرداخته شده و بخش چهارم به تصریح مدل، الگوها، متغیرها و قلمرو تحقیق می‌پردازد و در بخش پنجم برآوردها و آزمون‌های آماری مدل صورت گرفته و نهایتاً در بخش ششم نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- تعریف توسعه مالی

در خصوص تعریف توسعه مالی، برخی توسعه مالی را یک مفهوم چند وجهی می‌دانند که علاوه بر توسعه در بخش بانکی،

سیستم‌های مالی با کارکردهای کسب اطلاعات در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، توزیع ریسک، تجمیع پس‌اندازها و همچنین تسهیل مبادله کالاها و خدمات باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی و بهبود تخصیص منابع و در نهایت رشد اقتصادی می‌شوند، به طوری که مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که سطح توسعه بازارهای مالی به ویژه بازار سهام و بانک‌ها و تأثیری که آنها بر تأمین مالی شرکت‌ها و انتخاب روش تأمین مالی شرکت‌ها دارند، تأثیر شگرفی بر رشد اقتصادی بر جای می‌گذارد (تقوی و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۳۹ و لطفعلی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲). با توجه به نقش بازارهای مالی در اقتصاد، برخی معتقدند که اقتصادهای دارای واسطه‌ها و بازارهای مالی می‌توانند پس‌اندازهای غیر کارآمد را کاهش داده و از تخصیص نامناسب وجوه سرمایه‌گذاری جلوگیری کنند (یحیی زاده‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷)، و برخی دیگر از اقتصاددانان نیز کندی رشد اقتصادی را ناشی از توسعه نیافتگی بخش مالی دانسته (سلمانی و امیری، ۱۳۸۸: ۱۲۵) و برخی چون استیگلیتز^۲ (۱۹۹۴: ۱۴۹) بازارهای مالی را مغز متفکر سیستم اقتصادی و کانون اصلی تصمیم‌گیری می‌دانند. از میان مطالعات انجام شده مرتبط با توسعه مالی می‌توان به تحقیقات انجام شده توسط یحیی زاده‌فر و همکاران (۱۳۹۳: ۷۳)، جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸: ۲۱)، تقوی و همکاران (۲۰۱۱: ۳۷)، لیانگ^۳ (۲۰۱۲: ۲۵) و ریتاب^۴ (۲۰۱۳: ۳۴۵) اشاره کرد که در همه این تحقیقات، مؤثر بودن توسعه مالی هر کشور در رشد اقتصادی آن به اثبات رسیده است. در مورد جهانی شدن و نقش آن در اقتصاد، دیدگاه غالب معتقد است که جهانی شدن با ارائه تجارت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال، منجر به کاهش نابرابری درآمدی و فقر می‌شود و این امر سبب شده است تا تعداد کشورهایی که سیاست آزادی تجارت را به اجرا گذاشته‌اند از ۲۲ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۷۳ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یابد (حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۶). و دیگر اینکه آزادسازی تجاری منجر به بهبود

1. Taghavi et al. (2011)

2. Stiglitz (1994)

3. Liang (2012)

4. Ritab (2013)

بازارها در مطالعه بنچوا و همکاران^۴ (۱۹۹۵)، بنچوا و اسمیت^۵ (۱۹۹۱) و گرین‌وود و جوانویچ^۶ (۱۹۹۰) با ایجاد امکان تقسیم خطرپذیری برای سرمایه‌گذاران از لحاظ اقتصادی به آنها کمک می‌کنند که به خلق فناوری جدید بپردازند. به بیان دیگر بازارهای مالی توسعه یافته از طریق کاهش خطرپذیری نقدینگی سرمایه‌گذاران، آنها را به وابستگی بیشتری برای داشتن فناوری تولید تشویق می‌کنند (شاه‌آبادی و فعلی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

همچنین، توسعه بازارهای مالی از دو طریق، ۱- اثر سطح و ۲- اثر کارایی، با افزایش در سرمایه‌گذاری، موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شوند، اثر سطح نشان می‌دهد که توسعه بخش مالی با ایجاد شفافیت در مقررات بازارهای مالی همانند رعایت استانداردهای حسابرسی، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و در نتیجه منابع را از پروژه‌های ناکارآمد به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت می‌کند. اثر کارایی نیز نشان می‌دهد که با توسعه بازارهای مالی، تنوع و نقدینگی افزایش یافته و منابع به سمت پروژه‌های مولد هدایت می‌شوند، پس این دو اثر موجب افزایش در سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شوند (سادورسکی^۷، ۲۰۱۱: ۱۰۰۳). با اینکه بازارهای مالی یکی از عوامل مهم در رشد و توسعه اقتصاد هر کشوری می‌باشند ولی کم‌توجهی و نگرش ساده به بازارهای مالی سبب شده است که برخی آن را تنها برد و باخت ناشی از نوسانات قیمت دارایی‌های مالی بدانند، در حالی که تأثیر ساختار اقتصادی چنان است که امروزه بدون داشتن یک بخش مالی کارا، رشد اقتصادی محقق نمی‌گردد (جعفری‌صمیمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱). به‌طور کلی می‌توان چنین مطرح نمود که چنانچه سیستم مالی بتواند وظایف اصلی خود در زمینه کاهش هزینه اطلاعات، مدیریت مخاطره، تسهیل مبادلات، تجهیز مناسب پس‌اندازها، تأمین مالی طرح‌های نوآورانه، کاهش ریسک و دسترسی ساده به اعتبارات برای بخش خصوصی را به خوبی عمل کند، می‌توان گفت نظام مالی کشور توسعه یافته است (واعظ و میرفندرسکی^۸، ۲۰۱۱: ۳۴).

ابعاد دیگری چون توسعه بخش غیربانکی، توسعه بخش پولی و سیاست‌گذاری پولی، مقررات و نظارت بانکی، باز بودن بخش مالی و محیط نهادی را در برمی‌گیرد (دادگر و نظری، ۱۳۸۸: ۱)، برخی دیگر آنرا افزایش خدمات مالی توسط مؤسسات مالی (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۷) و برخی دیگر بهبود در کمیت، کیفیت و کارایی خدمات واسطه‌های مالی را به‌عنوان توسعه مالی می‌دانند (چونگ و چان^۱، ۲۰۱۱: ۲۰۱۷).

۲-۲- اهمیت توسعه مالی و بازارهای مالی

از دیدگاه مباحث نظری، سابقه بحث درباره توسعه مالی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی و همچنین اهمیت واسطه‌های مالی تقریباً به یک و نیم قرن پیش برمی‌گردد. باگهوت^۲ (۱۸۷۳) مطرح کرد که نظام مالی تأثیر کلیدی در صنعتی شدن بریتانیا ایفا کرده است. همچنین سال‌ها بعد شومپیتر^۳ (۱۹۱۱) تأثیر واسطه‌های مالی در توسعه اقتصادی را مطرح کرد و بیان نمود که نوآوری‌های فنی، نیروی محرکه رشد اقتصادی بلندمدت است و دلیل اصلی نوآوری را توان بخش مالی می‌داند که بتواند منابع مالی لازم را در اختیار بخش کارآفرین قرار دهد. از این رو بر اساس نظرات شومپیتر و باگهوت این بینش که بازارهای مالی از طریق تخصیص سرمایه به‌طور مؤثر بهره‌وری را افزایش می‌دهند، به‌وجود آمد (شاه‌آبادی و فعلی، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

در حال حاضر بخش بزرگی از ادبیات اقتصادی، تأیید کننده این مطلب هستند که رشد اقتصادی بلندمدت و رفاه یک کشور، علاوه بر سایر عوامل مهم دیگر، به درجه توسعه یافتگی مالی آن کشور بستگی دارد. توسعه مالی به‌طور کلی از طریق تجهیز و تجمیع منابع سرمایه‌ای و نیز تخصیص بهینه این منابع بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد، به‌عبارت دیگر شاخص‌های توسعه مالی، تجمیع سرمایه و بهره‌وری آن را متأثر می‌سازند. توسعه سیستم‌های مالی از طریق گسترش و همچنین متنوع سازی بازارهای مالی کشور، منجر به تخصیص مناسب‌تر منابع و در نتیجه رشد اقتصادی سریع‌تر می‌گردد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶).

در خصوص توسعه مالی و عملکرد بازارهای مالی، این

4. Bencivenga et al. (1995)
5. Bencivenga & Smith (1991)
6. Greenwood & Jovanovic (1990)
7. Sadrosky (2011)
8. Vaez & Mirfenderski (2011)

1. Choong & Chan (2011)
2. Bagehot (1873)
3. Schumpeter (1911)

۲-۳- توسعه مالی در ایران

به منظور بررسی توسعه مالی در ایران به برخی از بررسی‌ها اشاره می‌شود که یا با موضوعیت ایران صورت گرفته، یا اینکه ایران یکی از کشورهای منتخب تحقیق می‌باشد. در بررسی که، رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی مورد کاوش قرار گرفته، و ایران یکی از کشورهای منتخب تحقیق می‌باشد، نتایج نشان می‌دهند که جهت علیت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی نه تنها در کشورها با یکدیگر متفاوت است بلکه از یک شاخص به شاخص دیگر نیز متفاوت است، همچنین نتایج تحقیق بیانگر این هستند که، بازار پول ایران نتوانسته در فرایند رشد و توسعه اقتصادی ایران نقش فعالی را ایفا نماید و دارای عملکرد ضعیفی بوده است. از طرفی دیگر تأثیرگذاری بازار سهام بر رشد اقتصادی در ایران نسبت به سایر کشورها بهتر بوده است، دلیل این امر را می‌توان در توسعه‌یافتگی بازار بورس ایران، طی سال‌های اخیر دانست (منصف و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۴).

همچنین در مطالعه‌ای دیگر که در مورد رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران انجام شد، نقش توسعه مالی در رشد اقتصادی و متقابلاً نقش رشد اقتصادی در توسعه‌یافتگی مالی در ۳۶ کشور نفتی و غیرنفتی در حال توسعه و توسعه یافته، مورد بررسی قرار گرفت که، نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهند که توسعه مالی نقش تعیین کننده‌ای در تحت تأثیر قرار دادن کارایی سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند، و با توجه به اینکه امکان اعطای تسهیلات به پروژه‌های با بازدهی پایین در نتیجه منابع مالی حاصل از نفت و نیز با در نظر گرفتن ضعف نهادهای مالی، نتیجه گرفته می‌شود که در کشورهای صادرکننده نفت، سرمایه‌گذاری به خودی خود کافی نیست، مگر اینکه به همراه سیستم توسعه یافته مالی باشد که کانال‌های بازگشت و فور منابع را به سمت فعالیت‌های مولد با بازده بالا سوق دهد و در بلندمدت محرک رشد اقتصادی باشد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳).

همچنین برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که، در سال‌های اخیر توسعه مالی در ایران بهبود یافته ولی در مقایسه با سایر کشورهای منطقه وضعیت توسعه مالی ایران مناسب نبوده، و بیان می‌کنند که در اقتصاد ایران، رشد اقتصادی موجب بهبود توسعه مالی می‌شود (موتمنی^۱، ۲۰۰۸: ۵۹).

همچنین نتایج برخی دیگر از بررسی‌ها، بیانگر این است که بین توسعه واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی ایران، رابطه‌ای مثبت وجود داشته، و بیانگر این است که، اثرگذاری بازار پول بر رشد اقتصادی ایران از طریق کارایی سرمایه‌گذاری بوده است نه حجم سرمایه‌گذاری (طیب‌نیا و صفایی^۲، ۲۰۰۸: ۳۱).

همچنین در برخی از بررسی‌ها، به رابطه توسعه مالی و متغیرهای اجتماعی ایران پرداخته شده است. در پژوهشی که رابطه توسعه مالی و کاهش فقر در ایران، بررسی شده، این نتیجه حاصل شد که توسعه بخش مالی در ایران موجبات کاهش فقر را فراهم نمی‌سازد، بلکه، وجود عوامل ساختاری و نهادی در ساختار نظام بانکداری و بازار پول و سرمایه ایران در کنار بسیاری از عوامل دیگر داخلی مانند رفتارهای دولت باعث شده است، تا اثرات دائمی رشد و توسعه مالی نتواند به کاهش فقر در کشور منجر شود و به عکس، سطح فقر را افزایش دهد (دل‌انگیزان و سنجری، ۱۳۹۲: ۸۴).

بررسی دیگر که، با استفاده از تک معادله با متغیر وابسته ضریب جینی و متغیرهای مستقل توسعه مالی در کنار چند متغیر کنترل، موضوع رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد، در ایران را مورد مطالعه قرار داده، بیانگر این است که بین توسعه مالی و توزیع درآمد در ایران، رابطه منفی و مستقیم وجود دارد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱).

در تحقیقی دیگر که، تأثیر توسعه مالی بر بهره‌وری کل عوامل ایران، مورد بررسی قرار گرفت، نتایج تحقیق دال بر این بود که، توسعه مالی اثری مثبت و معنادار بر بهره‌وری کل عوامل ایران دارد (شاه‌آبادی و فعلی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

۲-۴- تعریف جهانی شدن اقتصاد

در مورد جهانی شدن بخصوص جهانی شدن اقتصاد، گرچه برخی صاحب نظران خواسته‌اند برای جهانی شدن پیشینه‌ای بلند در نظر گیرند و آن را اندیشه‌های یونان باستان، آموزه‌های ارباب کلیسا در قرون وسطا و افکار متفکران قرن نوزدهم و بیستم اروپا بدانند، اما حقیقت این است که این پدیده، سابقه تاریخی چنین طولانی ندارد و پیشینه آن را در سطح بین‌المللی، باید از اوایل نیمه دوم قرن بیستم سراغ گرفت (مالک، ۱۳۸۸: ۲۱). جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و قابل تسری به

2. Tayebnia & Safaee (2008)

1. Motameni (2008)

و همکاران^۸ (۲۰۰۵)، کوز و همکاران^۹ (۲۰۰۸) بیان می‌دارند که جهانی شدن و آزادسازی تجاری موجب ایجاد فضای رقابتی برای صنایع داخلی از طریق توسعه تکنیک‌های تولید جدید یا استفاده کارا از عوامل تولید می‌شود و همچنین جهانی شدن موجب انتخاب وسیع‌تری در مورد کیفیت بالای نهاده‌های واسطه‌ای با قیمت‌های پایین‌تر برای فعالیت‌های اقتصادی شده که این موجب بهبود بهره‌وری کل عوامل می‌شود (شاه‌آبادی و فعلی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

مطالعات تجربی جدید که روش‌های نو و تصویری چند جانبه از جهانی شدن ارائه داده‌اند همانند آرسپرانگ^{۱۰} (۲۰۰۶)، درهر (۲۰۰۸) و گمل و همکاران (۲۰۰۸)، در بررسی‌ها و تحلیل‌های خود بر دو فرضیه متمرکز شده‌اند: ۱- فرضیه کارایی ۲- فرضیه جبران. در فرضیه کارایی استدلال می‌شود که جهانی شدن اقتصاد وظایف دولت را کاهش می‌دهد و شرایط اقتصادی را با حضور بیشتر بخش خصوصی رقابتی‌تر می‌کند. در مقابل در فرضیه جبران، استدلال می‌شود که جهانی شدن اقتصاد، خطراتی را برای جامعه و اقتصاد ملی ایجاد می‌کند (صادقی و همکاران ۱۳۹۱: ۲۱۹). در مورد ویژگی‌های این پدیده گرچه جهانی شدن دارای ویژگی‌ها و خصوصیات گوناگونی می‌باشد اما بیشتر اقتصاددانان رشد تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ایجاد شرکت‌های چند ملیتی را از مشخصه‌های اصلی جهانی شدن می‌دانند. از مشخصه‌های دیگر جهانی شدن، آزادسازی تجاری و کاهش حمایتگری یا حذف تعرفه‌ها است که این مسئله هم در زمینه صادرات و هم در زمینه واردات برای گروه‌های مختلفی از کالا قابل بررسی است (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

۲-۶- آثار جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد نیز همانند بسیاری از پدیده‌های اقتصادی پیامدهای مثبت و منفی با خود به همراه دارد. برخی از صاحب نظران افزایش رقابت در سطح بین‌الملل و انتقال تکنولوژی و بهبود استاندارد زندگی را از آثار مثبت جهانی شدن می‌دانند (کوتویل و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۰: ۱۱۶۲). برخی دیگر از

جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و فناوری و همچنین محیط زیست است و شاید هم بخاطر همین جنبه‌های متنوع می‌باشد که هیچ اتفاق نظری بین نظریه‌پردازان و اندیشمندان در مورد تعریف دقیق جهانی شدن وجود ندارد. برخی از نظریه‌پردازان نظیر فوکویاما^۱ (۲۰۰۱) (۲۰۰۱) متخصص مؤسسه تحقیقاتی راند و سرژلاتوش متفکر فرانسوی، این پدیده را از منظر سیاسی نگریسته و جهانی شدن را فرایند تاریخی غربی سازی جهان می‌دانند. در حالی که جمعی دیگر همانند مک‌گرو^۲ (۱۹۹۶) جهانی شدن را برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع، گیدنز^۳ (۱۹۹۵) آن را تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان و رابرتسون^۴ (۲۰۰۲) جهانی شدن را به‌عنوان یک مفهوم که هم به کوچک شدن جهان و هم به تقویت آگاهی از جهان اشاره دارد، تعریف می‌کنند. این نظریه‌پردازان جهانی شدن را به معنای عام در نظر دارند، و در مقابل اندیشمندانی نظیر کومسا (۱۳۷۸)، جهانی شدن را حاصل یک پارچگی اقتصادی، مالی، و زیست محیطی و کروگمن^۵ (۱۹۹۶)، آن را ادغام بیشتر بازارهای جهانی، و مک‌ایوان که این پدیده را گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله سرمایه سالارانه می‌دانند، این گروه از نظریه‌پردازان پدیده جهانی شدن را از دیدگاه اقتصادی تعریف می‌کنند (ثانی، ۱۳۸۲: ۱۷). گرچه تعریف واحدی از این پدیده وجود ندارد ولی می‌توان همانطور که هربرت سایمون^۶ (۱۹۸۷) برنده جایزه نوبل (۱۹۷۸) و از نظریه‌پردازان علوم اداری، که مدیریت را بر اساس یکی از وظایف مدیریت تعریف نموده و آنرا برابر با تصمیم‌گیری می‌داند، بنظر می‌رسد که می‌توان جهانی شدن را بر اساس یکی از ویژگی‌های آن در نظر گرفته و آن را درهم تنیدگی بازارهای مالی و حداکثر مقررات‌زدایی اقتصادی تعریف نمود.

۲-۵- عملکرد جهانی شدن اقتصاد

در مورد عملکرد این پدیده مطالعات تجربی خان^۷ (۲۰۰۵)، بلبل

1. Fukuyama (2001)
2. MC Grew (1996)
3. Giddens (1995)
4. Rorbtrson (2002)
5. Krugman (1996)
6. Simon (1987)
7. Khan (2005)

8. Bolbol et al. (2006)
9. Kose et al. (2008)
10. Ursprung (2006)
11. Kotwal et al. (2010)

اقتصاددانان نیز در زمینه آثار مثبت جهانی شدن به بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی تأکید دارند (ناتارج^۱، ۲۰۰۹: ۱۰۶۴). دیگر اینکه جهانی شدن و تجارت برای کشورهای در حال توسعه که بازارها در آنها کوچک است و دارای هزینه‌های تولید بالایی می‌باشند، منجر به صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید شده و با استفاده از روابط تجاری، صادرات را افزایش داده و صرفه‌های اقتصادی، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد (عاشورزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

جهانی شدن پدیده‌ای نیست که سراسر آثار مثبت باشد، بلکه همانند سایر عوامل به دنبال آثار مثبت، آثار منفی خود را نیز به همراه دارد. اقتصاددانان از بین آثار منفی جهانی شدن به بحران‌های اقتصادی اشاره می‌کنند که شامل دو نوع بحران مالی و بحران بیکاری می‌باشد. بحران‌های مالی، بحران‌هایی هستند که کشورهای گوناگون جهان، به علت بین‌المللی شدن و وابستگی متقابل بازارهای مالی و معاملات جهانی بورس، دچار آن می‌شوند. و در مورد بحران بیکاری، شرکت‌ها سیستم تولیدشان را به صورت خودکار درآورده‌اند، در نتیجه نیاز به نیروی کار، به ویژه نیروی کار غیرمتخصص، پیوسته رو به کاستی دارد. همچنین جهانی شدن بازارهای مالی و مقررات‌زدایی از این بازارها مستقیماً باعث کاهش استقلال عمل و اثربخشی خط مشی‌های اقتصاد ملی می‌شود. به عبارت دیگر رشد بازارهای جهانی سرمایه و تحرک بیش از حد سرمایه‌های خصوصی موجب تضعیف توان بانک‌های مرکزی کشورها برای مدیریت بر نرخ مبادله ارزها و طراحی سیاست‌های مؤثر و سالم اقتصاد کلان شده است (بگواتی^۲، ۲۰۰۵). با توجه به مطالعات انجام شده و آثار مثبت و منفی جهانی شدن می‌توان گفت که این پدیده از یک طرف موجب آزادسازی تجاری شده و به دنبال باز شدن بازار ملی، سبب می‌شود که فضای تولید کاملاً رقابتی شود و از طرف دیگر بی‌اثر شدن سیاست‌های توسعه‌ای ملی شده را موجب شده و در نتیجه باعث تحریک احساسات تنگ نظرانه ملی می‌شود. برخی از صاحب‌نظران با توجه به آثار مثبت جهانی شدن، آزادسازی تجاری و ورود به بازارهای جهانی را یک ضرورت دانسته و عدم ورود به آن را غیرقابل توجیه می‌دانند (مدهوشی و تاری،

۱۳۸۶: ۱۹۶) و در مقابل هستند نظریه پردازانی که، آثار منفی جهانی شدن را بیشتر از آثار مثبت آن دانسته و این پدیده را از عوامل نابرابری بین ملتها و مناطق ارزیابی می‌کنند (کومسا، ۱۳۷۸: ۹۴). در نهایت اینکه با توجه به نظریه‌هایی که موافقان و مخالفان جهانی شدن در مورد این پدیده دارند می‌توانیم به این عقیده فالك^۳ اشاره کنیم که در حقیقت جمع بست نظرات غالب اندیشمندان در مورد جهانی شدن می‌باشد: جهانی شدن به‌عنوان یک فرایند تاریخی که در متن نظام بین‌المللی شکل می‌گیرد، نشانگر نابرابری‌های فاحش در زمینه‌های گوناگون است، و از این‌رو مزایای مربوط به رشد را در بخش‌ها و جوامعی که از قبل نیز از آن بهره‌مند بوده‌اند، متمرکز و وضعیت نسبی و مطلق آنهایی که از قبل نیز از آن بی‌بهره بوده‌اند، بدتر می‌کند (همان: ۹۴).

۲-۷- توسعه مالی و جهانی شدن اقتصاد

توسعه مالی یکی از پیش شرط‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورها قلمداد شده است، به طوری که سیستم‌های مالی با کارکردهای کسب اطلاعات در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، توزیع ریسک، و همچنین تسهیل مبادله کالاها و خدمات باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی و بهبود تخصیص منابع و در نهایت رشد اقتصادی می‌شوند. از آنجا که افزایش تولید و صادرات هر کشور نشان دهنده رشد اقتصادی آن کشور محسوب می‌شود، بنابراین بخش مالی توسعه یافته، ضمن کمک به افزایش تولید و صادرات کشور (رشد اقتصادی) به جهانی شدن اقتصاد کمک می‌کند. بخش مالی توسعه یافته از طرق گوناگونی بر افزایش تولید و صادرات و در نتیجه بر جهانی شدن اقتصاد اثر می‌گذارد که به اختصار چند مورد با استناد به تحقیقات انجام گرفته اشاره می‌شود.

سیستم‌های مالی توسعه یافته، با تجمیع پس‌اندازهای خرد مردم و تسریع حرکت این وجوه به سوی بنگاه‌های تولیدی، سبب می‌شوند تا این واحدهای اقتصادی در اسرع وقت، نیازهای مالی مورد نیاز برای تولید را بر طرف سازند، که این، عامل مهم در افزایش تولید و صادرات بوده، که در نهایت موجب جهانی شدن اقتصاد می‌شود. در جهت تأیید این گفته

جهانی شدن پدیده‌ای نیست که سراسر آثار مثبت باشد، بلکه همانند سایر عوامل به دنبال آثار مثبت، آثار منفی خود را نیز به همراه دارد. اقتصاددانان از بین آثار منفی جهانی شدن به بحران‌های اقتصادی اشاره می‌کنند که شامل دو نوع بحران مالی و بحران بیکاری می‌باشد. بحران‌های مالی، بحران‌هایی هستند که کشورهای گوناگون جهان، به علت بین‌المللی شدن و وابستگی متقابل بازارهای مالی و معاملات جهانی بورس، دچار آن می‌شوند. و در مورد بحران بیکاری، شرکت‌ها سیستم تولیدشان را به صورت خودکار درآورده‌اند، در نتیجه نیاز به نیروی کار، به ویژه نیروی کار غیرمتخصص، پیوسته رو به کاستی دارد. همچنین جهانی شدن بازارهای مالی و مقررات‌زدایی از این بازارها مستقیماً باعث کاهش استقلال عمل و اثربخشی خط مشی‌های اقتصاد ملی می‌شود. به عبارت دیگر رشد بازارهای جهانی سرمایه و تحرک بیش از حد سرمایه‌های خصوصی موجب تضعیف توان بانک‌های مرکزی کشورها برای مدیریت بر نرخ مبادله ارزها و طراحی سیاست‌های مؤثر و سالم اقتصاد کلان شده است (بگواتی^۲، ۲۰۰۵). با توجه به مطالعات انجام شده و آثار مثبت و منفی جهانی شدن می‌توان گفت که این پدیده از یک طرف موجب آزادسازی تجاری شده و به دنبال باز شدن بازار ملی، سبب می‌شود که فضای تولید کاملاً رقابتی شود و از طرف دیگر بی‌اثر شدن سیاست‌های توسعه‌ای ملی شده را موجب شده و در نتیجه باعث تحریک احساسات تنگ نظرانه ملی می‌شود. برخی از صاحب‌نظران با توجه به آثار مثبت جهانی شدن، آزادسازی تجاری و ورود به بازارهای جهانی را یک ضرورت دانسته و عدم ورود به آن را غیرقابل توجیه می‌دانند (مدهوشی و تاری،

1. Nataraj (2009)
2. Bhagwati (2005)

3. Falk

نظارت و کنترل بر بنگاه‌های وام‌گیرنده و همچنین با تسهیل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سبب می‌شود تا بنگاه‌های تولیدی، محدودیت مالی در جهت تولید کالای جدید (با دایر کردن واحد تحقیق و توسعه) یا افزایش تولید کالاهای موجود نداشته باشند که این امر موجب افزایش تولید و صادرات شده و در نهایت به جهانی شدن اقتصاد کشورها منجر می‌شود.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- مطالعات خارجی

کوجا و همکاران^۴ در مطالعه‌ای تحت عنوان "توسعه مالی، تجارت باز و رشد اقتصادی در آفریقا: بینش‌های نو از روش علیت پانل" به بررسی تأثیر باز بودن تجارت و توسعه مالی در رشد اقتصادی ۲۱ کشور آفریقایی پرداختند، آنها به این نتیجه رسیدند که توسعه مالی و تجارت باز، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی ندارد (کوجا و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۸۶).

در تحقیقی که گورگل و لاج^۵ به بررسی رابطه جهانی شدن و رشد اقتصادی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی برای دوره (۲۰۱۰-۱۹۶۰) پرداختند، ضمن معرفی شاخص KOF با استفاده از شاخص‌های متنوع جهانی شدن (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معناداری بین سه شاخص ذکر شده و رشد اقتصادی وجود دارد (گورگل و لاج، ۲۰۱۴: ۹۹).

پاپایوانا^۶ در بررسی که در مورد توسعه اقتصادی اروپا در بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲ انجام داده به این نتیجه رسیده است که در کشورهایی که دسترسی افراد به منابع مالی بالا بوده، این کشورها از بازار سرمایه توسعه یافته‌تری برخوردارند (پاپایوانا، ۲۰۱۳: ۱۳۰-۱).

کبیر و همکاران^۷ در پژوهشی تحت عنوان "توسعه مالی و رشد اقتصادی: شواهدی جدید از داده‌های پانل"، نقش توسعه مالی در رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط و کم طبقه‌بندی شده توسط مناطق جغرافیایی را طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۰ مورد بررسی قرار دادند، آنها به این نتیجه رسیدند که

می‌توان به مطالعه بکر و گرینبرگ^۱ (۲۰۰۵) اشاره کرد، آنان در ارتباط میان توسعه مالی و صادرات به این نتیجه رسیدند که یک نظام مالی بهتر، باعث افزایش صادرات می‌شود (بکر و گرینبرگ، ۲۰۰۵: ۱۵). همچنین بخش مالی توسعه یافته، سبب می‌شود تا بنگاه‌های تولیدی در جهت افزایش توان رقابتی خود، و حضور پررنگ در بازارهای داخلی و بازارهای خارجی، محدودیت مالی نداشته و در جهت تحقق اهداف اقتصادی خود، بتوانند بخش تحقیق و توسعه را دایر نمایند، که خود، عاملی مهم در نوآوری و اختراعات می‌باشد. بنابراین توسعه مالی با فعال شدن بخش تحقیق و توسعه، به‌طور غیرمستقیم موجب، محقق شدن تحقیقات مورد نیاز واحدهای تولیدی، آموزش کارکنان و تقویت مهارت‌های آنان می‌شود که یکی از عوامل کلیدی در افزایش تولید و صادرات و در نتیجه جهانی شدن اقتصاد می‌باشد، که نتایج مطالعه هور و یوهانس^۲ دال بر تأیید این امر می‌باشد. ایشان در سال ۲۰۰۶ به بررسی ارتباط میان توسعه مالی، دارایی‌های مشهود و تجارت بین‌الملل پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کشورهایی که به‌طور نسبی بخش مالی توسعه یافته‌تری دارند، از مزیت نسبی در صنایعی که ویژگی آنها وجود دارایی‌های غیر مشهود است، برخوردارند. در مقابل، کشورهایی که سطح ضعیف‌تر توسعه مالی دارند، از مزیت نسبی در صنایعی که ویژگی آنها وجود دارایی‌های مشهود است برخوردارند (هور و یوهانس، ۲۰۰۶: ۱۷۲۸).

دیگر اینکه توسعه بخش مالی (مانند توسعه بخش بانکی و توسعه بخش مالی غیربانکی نظیر بازار سرمایه) سبب تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شوند که عاملی مهم، در افزایش تولید و صادرات هر کشوری می‌باشد، که در جهت تأیید این امر می‌توان به تحقیق سوارید و ولاچز^۳ اشاره کرد. آنان در تحقیقی در سال ۲۰۰۵ نشان دادند که کشورهای با نظام مالی توسعه یافته، تمایل به متخصص شدن در صنایعی دارند که از درجه بالایی از وابستگی با تأمین مالی خارجی برخوردارند (سوارید و ولاچز، ۲۰۰۵: ۱۱۳). بنابراین، می‌توان این‌طور بیان کرد که بخش مالی توسعه یافته، با جذب سپرده‌های خرد مردم و به‌کارگیری آنها در فعالیت‌های اقتصادی، و با تخصیص بهینه این سپرده‌ها از طریق افزایش

4. Kojo et al. (2014)

5. Gourgul & Lach (2014)

6. Papaioannou (2013)

7. Kabir et al. (2011)

1. Becker & Greenberg (2005)

2. Hur & Yohanes (2006)

3. Svaleryd & Vlachos (2005)

جهانی شدن اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه پایین، منفی و معنی دار است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که در کشورهای با درآمد سرانه بالا و متوسط تأثیر هر سه شاخص جهانی شدن (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و شاخص کل جهانی شدن بر رشد اقتصادی مثبت و معنی دار است (حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۵).

در تحقیقی که در سال ۱۳۹۳ توسط یحیی زاده‌فر و همکاران تحت عنوان سرمایه اجتماعی و توسعه مالی در ایران که با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری انجام شده، نتایج به دست آمده، بیانگر وجود یک رابطه تعادل بلندمدت بین سرمایه اجتماعی و توسعه مالی در ایران می‌باشد (یحیی زاده‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳).

آذربایجانی و همکاران در مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۳ تحت عنوان "آزادسازی تجاری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران" به این نتیجه رسیدند که شاخص آزادسازی در دوره کوتاه‌مدت بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری دارد، ولی در دوره بلندمدت تنها بر رشد اقتصاد کل، معنی دار است. همچنین نتایج تحقیق بیانگر این است که، شاخص سرمایه انسانی، تنها در دوره بلندمدت بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معنی داری دارد و در دوره کوتاه‌مدت، آثار آن مثبت ولی بی‌معنی است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴).

حری و همکاران در تحقیقی تحت عنوان "اثر جهانی شدن روی رابطه مبادله خالص، ناخالص و درآمد کل ایران با استفاده از مدل VAR" به این نتیجه رسیدند که، اثر جهانی شدن روی مبادله خالص، ناخالص و درآمد کل ایران در بلندمدت منفی بوده است (حری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳).

در پژوهشی که توسط منصف و همکاران تحت عنوان "تحلیل اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای D-8: علیت گرنجر پانلی با رویکرد بوت استرپ (۱۹۹۰-۲۰۱۰)" انجام شده، آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که در بین شاخص‌های توسعه مالی، شاخص اعتبارات بانکی در همه کشورهای منتخب به جز پاکستان، علت رشد اقتصادی بوده که این نشان دهنده وابستگی بالای این کشورها به بخش بانکی برای تأمین مالی است (منصف و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳).

در تحقیقی که ابونوری و تیموری در سال ۱۳۹۲، با عنوان "بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی: مقایسه‌ای بین

یک سیستم مالی با کارکرد خوب برای دستیابی به رشد اقتصادی با ثبات در کشورهای در حال توسعه لازم، اما کافی نیست (کبیر و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۸).

کار و همکاران در پژوهشی به بررسی جهت رابطه علیت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پرداختند، آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که نتایج به دست آمده، از دو فرضیه راهبردی عرضه و تقاضا حمایت می‌کند و به نظر می‌رسد که جهت علیت مخصوص هر کشور می‌باشد و بیان می‌کنند که هیچ اجماع واضح و شفافی بر جهت علیت بین رشد اقتصادی و توسعه مالی و نیز معیارهای توسعه وجود ندارد (کار و همکاران، ۲۰۱۱: ۶۸۵).

رائو و والادمانتی^۱ با بررسی رابطه بین شاخص جهانی شدن KOF و رشد اقتصادی در ۲۱ کشور کمتر توسعه یافته آفریقا به این نتیجه رسیدند که، جهانی شدن تأثیر ضعیف اما معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای ذکر شده دارد (رائو و والادمانتی، ۲۰۱۰: ۷۹۵).

در تحقیقی که توسط روسو و واکتل^۲ انجام شده است، رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی و همچنین شدت و قدرت این رابطه بررسی شد. در این تحقیق برای بررسی این امر که کدام کشور رابطه قوی‌تری بین توسعه مالی و رشد اقتصادی برقرار کرده است از تکنیک رگرسیون رولینگ استفاده شده است. الگوی مورد استفاده در این تحقیق به صورت زیر می‌باشد:

$$Y_{it} = \alpha_0 + \alpha F_{it} + \beta X_{it} + U_{it}$$

پس از بررسی رابطه بین متغیرهای فوق در کشورهای با اقتصادهای متفاوت، نتایج نشان داد که رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی مثبت بوده اما این رابطه در بین کشورهای فقیرتر شکننده‌تر بوده و به طور غیردقیق اندازه‌گیری شده است.

۳-۲- مطالعات داخلی

در پژوهشی که توسط حکمتی فرید و همکاران در سال ۱۳۹۴ با عنوان "تأثیر جهانی شدن و کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه پایین، درآمد سرانه متوسط و درآمد سرانه بالا" انجام شد، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین

1. Rao & Valadamantic (2010)
2. Rousseau & Wachtel (2005)

جهانی شدن اقتصاد و تجارت بین‌الملل، با توجه به بررسی‌های انجام شده، در ابتدای کار قرار دارد. عمده مطالعات داخلی، که با موضوعیت توسعه مالی انجام شده، به بررسی علت و معلولی توسعه مالی و رشد اقتصادی یا برعکس پرداخته‌اند که بیشتر این مطالعات به اثر مثبت توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی تأکید داشته‌اند. بنابراین، با توجه به مطالب گفته شده، به رغم مطالعات صورت گرفته در مورد رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی، به نظر می‌رسد که لزوم مطالعات بیشتر در مورد روابط علت و معلولی توسعه مالی با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی با مؤلفه‌های اقتصادی از جمله تجارت بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد ضروری است. شایان توجه است که در بعد تجارت در سال‌های اخیر، مطالعاتی در ارتباط میان توسعه مالی (با استفاده از شاخص‌های داخلی) و تجارت بین‌الملل و رابطه باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی (مانند مطالعات راستی در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱) صورت گرفته، ولی این مطالعات برخلاف مطالعات مربوط به توسعه مالی و رشد اقتصادی، بسیار بدیع و محدود بوده و در ابتدای کار قرار دارد.

۴- روش تحقیق

در این تحقیق، ابتدا اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده، از طریق نرم‌افزار Excel سازماندهی و توصیف شده و سپس با توجه به مدل رگرسیون و با کمک نرم‌افزار Eviews رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله بعد با توجه به تکنیک‌های اقتصادسنجی و الگوهای رگرسیونی، روابط بین توسعه مالی بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد در کشورهای منطقه از طریق روش پنل دیتا (روش داده‌های تابلویی) مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد. در این تحقیق، به منظور سنجش توسعه مالی بین‌الملل کشورهای قلمرو تحقیق، از شاخص ناموزون موریس (Morris Un-weighted Index)، و به منظور محاسبه شاخص جهانی شدن اقتصاد از مجموع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی کشورها استفاده می‌شود.

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌هایی که در این تحقیق به آنها پرداخته می‌شود عبارتند

کشورهای OECD و UMI" انجام داده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که توسعه مالی اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد و از آنجایی که کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از سطح توسعه یافتگی بالایی برخوردارند، شدت این اثر برای این دسته از کشورها کوچک‌تر است (ابونوری و تیموری، ۱۳۹۲: ۲۹).

رفعت و بیک‌زاده در مطالعه‌ای تحت عنوان "کاربرد الگوی معادلات همزمان داده‌های تابلویی در تحلیل نقش یک‌پارچگی اقتصادی اکو بر اشتغال و رشد"، ضمن معرفی شاخص جهانی شدن KOF، آثار این فرایند را بر رشد اقتصادی و اشتغال در این کشورها به‌طور همزمان مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تشکیل اتحادیه اکو باعث افزایش ۴۸٪ در تجارت و افزایش ۶۳٪ در رشد اقتصادی و همچنین کاهش ۹٪ در اشتغال این کشورها شده است. از طرفی اثر رشد بر میزان اشتغال در کشورهای عضو با در نظر گرفتن شاخص‌های جهانی، منفی و معنادار است (رفعت و بیک‌زاده، ۱۳۹۱: ۹).

در مطالعه‌ای که سیفی‌پور با استفاده از داده‌های تابلویی جهت بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی ۸۵ کشور انجام داده به این نتیجه رسیده است که در کشورهای با درآمد بالا و از نظر سطح مالی در بازار پول و سرمایه توسعه یافته‌تر، بهبود توسعه مالی منجر به رشد اقتصادی می‌شود (سیفی‌پور، ۲۰۱۰: ۴۹).

راستی در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه توسعه مالی و تجارت بین‌الملل در کشورهای در حال توسعه" به این نتیجه رسیده است که، افزایش سطح تجارت و همچنین آزادسازی تجاری در اقتصاد ایران، باعث افزایش سطح توسعه مالی کشور می‌شود (راستی، ۱۳۸۹: ۲۵).

بنابراین با توجه به اهمیت بخش مالی و ارتباط این بخش، با بخش‌های دیگر از جمله بخش واقعی (شامل بازارهای کالا و کار)، و مطالعات ذکر شده در این تحقیق، در سال‌های اخیر ارتباط میان توسعه مالی (با استفاده از شاخص‌های داخلی) و عملکردهای اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل، هم در مطالعات خارجی، و هم در مطالعات داخلی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، ولی مطالعه رابطه توسعه مالی بین‌الملل (استفاده از شاخص‌های بین‌الملل) و

از: نخست و مقادیر محاسبه شده حداکثر و حداقل شاخص‌ها در مرحله دوم می‌توان محاسبه نمود. بنابراین شاخص محرومیت هر کشور به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$I_{ij} = \frac{Max(IN_{ij}) - IN_{ij}}{Max(IN_{ij}) - Min(IN_{ij})}$$

که در آن I_{ij} میزان محرومیت کشور i از لحاظ شاخص j است.

مرحله چهارم: در مرحله سوم میزان محرومیت هر یک از کشورها از نظر هر یک از شاخص‌ها محاسبه می‌شود، ولی هنوز ضریب محرومیت کلی کشورها به دست نیامده است. لذا در این مرحله شاخص اصلی محرومیت هر یک از کشورها در مقایسه با سایر کشورها با ترکیب کلیه شاخص‌های معرفی شده محاسبه می‌شود. برای به دست آوردن ضریب محرومیت و رفاه نسبی کشورها، باید مجموع مقادیر شاخص مرحله سوم را بر تعداد شاخص‌های به کار رفته تقسیم کنیم تا فرمول زیر محاسبه شود:

$$D_{ij} = \frac{\sum I_{ij}}{n}$$

مرحله پنجم: اندازه‌گیری شاخص توسعه بخش‌ها است که در این مرحله این شاخص از مابه‌التفاوت عدد یک از میانگین محرومیت‌ها D_{ij} به دست خواهد آمد (جعفری صمیمی و حسینی، ۲۰۰۸: ۱۱۳).

$$(BDI)_i = (1 - D_{ij})$$

۳-۴- متغیرها و قلمرو تحقیق

با توجه به شاخص ناموزون موريس، متغیرهای معرف بخش مالی بین‌المللی، شامل موارد زیر می‌باشند: تراز پرداخت‌ها (تراز تجاری)^۱ (BP:TB): با کم کردن کل واردات از کل صادرات، تراز پرداخت‌ها (حساب جاری)^۲ (BP:CA): مجموع خالص صادرات کالا، خدمات، درآمد خالص و خالص انتقال فعلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۳، کل بدهی خارجی (EPD)^۴، کل ذخایر ارزی (TFER)^۵، نرخ ارز متوسط دوره^۱

۱- روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی بهبود یافته است.

۲- کشور ایران در خصوص توسعه مالی بین‌الملل در مقایسه با سایر کشورهای منطقه از روندی مثبت و صعودی برخوردار است.

۳- کشورهایی که بازار مالی بین‌الملل توسعه یافته‌تری داشته‌اند، به طور معنی‌داری شاخص جهانی شدن اقتصاد در آنها نیز بالاتر می‌باشد.

۲-۴- شاخص ناموزون موريس

این شاخص که در تعیین سطح نسبی توسعه یافتگی شاخص مالی بین‌الملل کاربرد دارد، نخستین بار در سال ۱۹۹۰ برای درجه‌بندی ۱۳۰ کشور جهان از نظر توسعه انسانی به نام شاخص توسعه انسانی توسط دفتر عمران سازمان ملل به کار گرفته شده که مراحل اجرای آن به شرح زیر می‌باشد (مبینی دهکردی و هاشمیان اصفهانی، ۱۳۸۵).

مرحله اول: انتخاب و تعریف شاخص‌های مورد نظر برای شناسایی محرومیت یا برخورداری کشورها از نظر ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با بخش بازرگانی است. در این مرحله می‌بایست در انتخاب شاخص‌ها و تعاریف مفاهیم آماری بیشترین دقت صورت گیرد. بدین ترتیب در این مرحله ماتریس شاخص‌ها $IN(n \times m)$ تشکیل خواهد شد که در آن سطرها بیانگر کشور و ستون‌ها نشان دهنده شاخص می‌باشند.

$$IN (n \times m) = \begin{bmatrix} IN_{11} & IN_{12} & \dots & IN_{1n} \\ IN_{21} & IN_{22} & \dots & IN_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ IN_{m1} & IN_{m2} & \dots & IN_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله دوم: در این مرحله به کمک ماتریس شاخص‌های محاسبه شده مرحله اول می‌بایست میزان حداقل Min_j و حداکثر Max_j هر شاخص IN_j را به دست آورد. به عبارت دیگر با محاسبه حداقل و حداکثر شاخص‌ها دامنه محرومیت کشورها از نظر کلیه شاخص‌ها به دست خواهد آمد.

مرحله سوم: تعریف میزان محرومیتی است که برای هر یک از کشورها با در نظر گرفتن شاخص‌های منتخب در مرحله

1. Balance of Payments: Trade Balance
2. Balance of Payment: Current Account
3. Foreign Direct Investment
4. External Public Debt
5. Total Foreign Exchange Reserves

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- محاسبه شاخص توسعه مالی بین‌الملل در

کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی

با توجه به شاخص ناموزون موريس و بر اساس اطلاعات مربوط به متغیرهای معرف بخش مالی بین‌المللی، شاخص توسعه مالی بین‌الملل در هر یک از کشورهای آسیای جنوب غربی در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ مورد محاسبه قرار گرفته است. بر اساس محاسبات انجام شده میانگین شاخص توسعه مالی بین‌الملل در منطقه آسیای جنوب غربی معادل ۰/۲۱ برآورد شده و این مقدار برای ایران ۰/۳۹ بوده که با این میانگین، ایران رتبه سوم را در بین کشورهای منطقه به خود اختصاص داده و کشور امارات با میانگین ۰/۳۱ در جایگاه چهارم قرار می‌گیرد.

همچنین محاسبات نشان می‌دهد که، بالاترین شاخص توسعه مالی بین‌الملل طی دوره، مربوط به کشورهای عربستان و ترکیه می‌باشد و در مقابل کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان کمترین شاخص توسعه مالی بین‌الملل را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بر اساس اطلاعات و محاسبات انجام شده بیشترین پراکندگی و ضریب تغییرات شاخص توسعه مالی بین‌المللی نسبت به مقدار متوسط آن مربوط به کشورهای قطر و ترکیه می‌باشد و کشورهای اردن و ایران کمترین پراکندگی و تغییرات را نسبت به مقدار متوسط شاخص توسعه بخش مالی بین‌الملل داشته‌اند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات شاخص توسعه مالی بین‌المللی در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۴

نام کشور	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
ارمنستان	0.19	0.02	0.13
آذربایجان	0.15	0.02	0.16
بحرین	0.15	0.01	0.08
مصر	0.22	0.02	0.10
گرجستان	0.14	0.02	0.11
ایران	0.39	0.02	0.05

دوره^۱ (RE:PA)، نرخ ارز انتهای دوره^۲ (RE:EP)، خالص تجارت خدمات، حجم ذخایر طلا، حجم اعتبارات صندوق بین‌الملل (جعفری صمیمی و حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). و در مورد قلمرو تحقیق اینکه، منطقه آسیای جنوب غربی ۵ حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان (آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه) را در برمی‌گیرد، و در بین قاره‌های آفریقا، اروپا و سرزمین‌های روسیه، چین و هند قرار دارد^۳ (شکیبایی و بطا، ۱۳۸۸: ۲۵).

برای محاسبه توسعه مالی بین‌الملل و شاخص جهانی شدن در مورد کشورهای ذکر شده در این تحقیق از جدیدترین اطلاعات منتشره بانک جهانی (گزارشات بخش اقتصادی) در سال ۲۰۱۴ استفاده شده است.

۴-۴- الگوهای تحقیق

۴-۴-۱- برای بررسی روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۱ از الگوی زیر استفاده می‌شود:

$$IFD = \alpha_0 + \alpha_1 T$$

که در آن IFD شاخص توسعه مالی بین‌الملل (International Finance Development) و T زمان می‌باشد.

۴-۴-۲- الگوی مورد استفاده جهت بررسی اثر شاخص توسعه مالی بین‌الملل بر درجه باز بودن یا جهانی شدن اقتصاد به صورت زیر می‌باشد:

$$OPN_{i,t} = \delta_0 + \delta_1 EG_{i,t} + \delta_2 \dot{P}_{i,t} + \delta_3 IFD_{i,t} + e_{i,t}$$

به منظور تجزیه و تحلیل اثر شاخص توسعه مالی بین‌الملل بر درجه باز بودن یا جهانی شدن اقتصاد در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۴ الگوی فوق برآورد می‌شود که جزئیات آن در بخش ۴-۵ شرح داده شده است.

1. Rate of Exchange: Period Average

2. Rate of Exchange: End of Period

۳. این منطقه شامل کشورهای: ایران، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، کویت، قطر، لبنان، مصر، سودان و بحرین است.

ترکمنستان، بحرین و آذربایجان در ردیف کشورهای توسعه نیافته و سایر ۷ کشور جزء کشورهای کاملاً توسعه نیافته قرار دارند.

جدول ۲. میانگین نرمال شده سطح نسبی توسعه یافتگی بخش مالی بین الملل کشورها با استفاده از شاخص ناموزون موریس

درجه توسعه یافتگی	تعداد کشور	نام کشورها و امتیاز نرمال شده	سطح توسعه یافتگی
۸۰ امتیاز تا ۱۰۰	۲	عربستان (۹۳/۳۷) ترکیه (۸۶/۶۲)	توسعه یافته
۶۰ امتیاز تا ۷۹/۹	۲	ایران (۷۸) امارات (۷۲/۱۲)	نسبتاً توسعه یافته
۴۰ امتیاز تا ۵۹/۹	۶	امصر (۴۳/۶) لبنان (۴۳/۳۷) کویت (۴۱/۶) قطر (۴۱/۶) قزاقستان (۴۱/۵)	نسبتاً توسعه نیافته
۳۰ امتیاز تا ۳۹/۹	۷	پاکستان (۳۹/۲) عراق (۳۸/۳) ارمنستان (۳۸/۳) اردن (۳۱) ترکمنستان (۳۰/۷) بحرین (۳۰/۲) آذربایجان (۳۰/۱)	توسعه نیافته
امتیاز کمتر از ۲۹/۹	۷	سوریه (۲۹/۷) عمان (۲۹/۲) یمن (۲۸/۲) ازبکستان (۲۸/۲) گرجستان (۲۷/۲) قرقیزستان (۲۷) تاجیکستان (۲۶)	کاملاً توسعه نیافته

مأخذ: با استفاده از اطلاعات جدول شاخص توسعه مالی بین الملل و با استفاده از نرم افزار Excel محاسبه شده است

۳-۵- بررسی روند شاخص توسعه مالی بین الملل

کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی

همان طور که قبلاً عنوان شد، به منظور بررسی روند شاخص توسعه مالی بین الملل در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در طی سال های ۲۰۱۱-۲۰۰۴ از الگوی زیر استفاده می شود:

$$IFD = \alpha_0 + \alpha_1 T$$

که در آن IFD شاخص توسعه مالی بین الملل و T زمان می باشد. با استفاده از اطلاعات و محاسبات مربوط به شاخص

عراق	0.19	0.02	0.11
اردن	0.15	0.01	0.06
قزاقستان	0.21	0.02	0.10
کویت	0.21	0.02	0.11
قرقیزستان	0.13	0.02	0.13
لبنان	0.22	0.02	0.11
عمان	0.15	0.01	0.10
پاکستان	0.19	0.03	0.13
قطر	0.20	0.05	0.22
عربستان	0.46	0.06	0.14
سوریه	0.15	0.01	0.09
تاجیکستان	0.13	0.01	0.11
ترکیه	0.41	0.09	0.21
ترکمنستان	0.15	0.01	0.07
امارات	0.36	0.07	0.19
ازبکستان	0.14	0.02	0.14
یمن	0.14	0.01	0.09
منطقه	0.21	0.01	0.05

مأخذ: با استفاده از اطلاعات جدول شاخص توسعه مالی بین الملل و با استفاده از نرم افزار Excel محاسبه شده است.

۲-۵- سطح نسبی توسعه یافتگی مالی (نرمال شده)

کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی

بر اساس اطلاعات و محاسبات مربوط به شاخص توسعه بخش مالی بین الملل کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، سطح نسبی توسعه یافتگی مالی بین الملل کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در این دوره به صورت نرمال شده محاسبه شده، که با توجه به محاسبات انجام شده، عربستان و ترکیه جزء کشورهای توسعه یافته از لحاظ فعالیت بخش مالی بین الملل در این دوره قرار دارند. کشورهای ایران و امارات، در مقایسه با سایر کشورها، در ردیف کشورهای نسبتاً توسعه یافته در بخش مالی بین المللی قرار دارند. همچنین در این دوره، پنج کشور مصر، لبنان، کویت، قطر و قزاقستان در زمره کشورهای نسبتاً توسعه نیافته، و هفت کشور پاکستان، عراق، ارمنستان، اردن،

۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۹	پاکستان
۰/۷۵	۱۷/۵	۰/۰۱۶	۰/۱۳	قطر
۰/۳۷	۳/۵	۰/۰۱۶	۰/۳۹	عربستان
۰/۵۳	۶/۸	۰/۰۰۴	۰/۱۳	سوریه
۰/۵۵	۷/۳	۰/۰۰۴	۰/۱۱	تاجیکستان
۰/۹۵	۱۰/۷	-۰/۰۳۴	۰/۵۶	ترکیه
۰/۳۸	۳/۷	۰/۰۰۳	۰/۱۴	ترکمنستان
۰/۷۷	۲۰	-۰/۰۲۴	۰/۴۷	امارات
۰/۴۹	۵/۶	۰/۰۰۵	۰/۱۲	ازبکستان
۰/۵۰	۰/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۱۵	یمن
۰/۷۹	۵/۲	-۰/۰۰۱	۰/۲۲	منطقه

مأخذ: با استفاده از اطلاعات جدول توسعه مالی بین‌الملل و با کمک نرم‌افزار *Eviews* برآورد شده است.

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل در ایران منفی می‌باشد. به عبارت دیگر توسعه مالی بین‌الملل در ایران روند نزولی داشته و در حال کاهش بوده است لذا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۴ شاخص مالی بین‌الملل در کشور ایران با مشاهده ضریب زاویه مدل به ازای هر سال به طور متوسط ۰/۰۰۴ از امتیاز شاخص توسعه بخش مالی بین‌الملل کاسته شده است. پس این فرضیه که توسعه مالی بین‌المللی در کشور ایران روند صعودی (مثبت) داشته است، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و رد می‌شود.

۵-۴- اثر توسعه مالی بین‌الملل اقتصادی بر جهانی

شدن اقتصاد کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در این بخش به منظور بررسی اثر توسعه مالی بین‌الملل اقتصادی بر جهانی شدن اقتصاد ۲۴ کشور منطقه آسیای جنوب غربی از الگوی رگرسیون زیر استفاده شده است.

$$OPN_{i,t} = \delta_0 + \delta_1 EG_{i,t} + \delta_2 \dot{P}_{i,t} + \delta_3 IFD_{i,t} + e_{i,t}$$

$OPN_{i,t}$: شاخص درجه باز بودن یا جهانی شدن اقتصاد کشور i در سال t که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$OPN_{i,t} = \frac{EX_{i,t} + IM_{i,t}}{GDP_{i,t}}$$

که در آن: $OPN_{i,t}$ درجه جهانی شدن اقتصاد کشور i در

توسعه مالی بین‌الملل که با کمک شاخص ناموزون مورس محاسبه شده، و نرم‌افزار *Eviews*، روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی برآورد شده و در جدول زیر ارائه شده است. همان‌طور که از اطلاعات جدول مشاهده می‌شود، معادله روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل در منطقه آسیای جنوب غربی عبارت است از:

$$IFD_{RGN} = 0.22 - 0.001 T$$

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل در منطقه آسیای جنوب غربی منفی می‌باشد. به عبارت دیگر توسعه مالی بین‌الملل در این منطقه روند نزولی داشته و در حال کاهش بوده است لذا طی این دوره با مشاهده ضریب زاویه مدل، این فرضیه که به ازای هر سال به طور متوسط ۰/۰۰۱ از امتیاز شاخص توسعه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی روند صعودی (مثبت) داشته است، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و رد می‌شود.

همچنین بر اساس اطلاعات جدول ۳ معادله روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل در ایران عبارت است از:

$$IFD_{IRI} = 0.41 - 0.004 T$$

جدول ۳. روند شاخص توسعه مالی بین‌الملل (IFD) در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی

نام کشور	α_0	α_1	F	R^2
ارمنستان	۰/۲	-۰/۰۰۲	۰/۲۸	۰/۴۶
آذربایجان	۰/۱۴	۰/۰۰۲	۰/۳۱	۰/۴۸
بحرین	۰/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۱۳	۰/۲۱
مصر	۰/۲۵	-۰/۰۰۸	۲۲/۴	۰/۷۹
گرجستان	۰/۱۲	۰/۰۰۵	۶/۹	۰/۵۴
ایران	۰/۴۱	-۰/۰۰۴	۱/۶	۰/۲۱
عراق	۰/۱۹	-۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۲۰
اردن	۰/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۱۹
قزاقستان	۰/۱۸	۰/۰۰۶	۹/۸	۰/۶۲
کویت	۰/۱۹	۰/۰۰۳	۰/۷۸	۰/۱۵
قرقیزستان	۰/۱۱	۰/۰۰۵	۶/۱	۰/۵۱
لبنان	۰/۲۴	-۰/۰۰۶	۵/۱	۰/۴۶
عمان	۰/۱۳	۰/۰۰۳	۳	۰/۳۳

روش OLS استفاده نمود. در مرحله بعد آزمون هاسمن به منظور انتخاب بین دو روش اثرات ثابت و تصادفی انجام شد که آماره به دست آمده از آزمون هاسمن نیز چون بزرگ‌تر از آماره کای دو جدول است لذا فرضیه H_0 مبنی بر برآورد الگو به روش اثرات تصادفی رد می‌شود و الگوی تعیین اثرات توسعه مالی بین‌الملل بر جهانی شدن اقتصاد کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی به روش اثرات ثابت برآورد شد که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد الگوی اثر توسعه مالی بین‌الملل بر جهانی شدن اقتصاد (درجه باز بودن اقتصاد) به روش اثرات ثابت

متغیرها	ضرایب	آماره t
عرض از مبدأ	۰/۶۱	۳/۴
رشد تولید	۰/۱۴	۵/۱۶
نرخ تورم	-۰/۱۶	-۰/۷۲
توسعه مالی بین‌الملل	۰/۱۲	۳/۱۸
آماره F	۸۹/۱	۸۹/۱
ضریب تعیین	۰/۷۸	۰/۷۸
آماره کای دو (آزمون هاسمن)	۲۷/۶	۲۷/۶

مأخذ: برآورد الگوی با استفاده از اطلاعات شاخص توسعه مالی و با کمک نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews

با توجه به اطلاعات جدول، ضریب تعیین الگو معادل ۷۸ درصد به دست آمده است. به عبارت دیگر ۷۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی جهانی شدن اقتصاد توسط متغیرهای مستقل و توضیحی الگو توضیح داده می‌شود. همچنین آماره F الگو نیز بیانگر معناداری نتایج حاصل در سطح معنای ۵ درصد می‌باشد. بر اساس اطلاعات جدول، توسعه مالی بین‌الملل طی سال‌های مورد بررسی، بر جهانی شدن اقتصاد کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی اثر مثبت داشته که با توجه به آماره t این اثر معنی‌دار نیز بوده است. همچنین ضریب زاویه این شاخص نیز نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش و بهبود در شاخص توسعه مالی بین‌الملل، جهانی شدن اقتصاد کشورهای منطقه ۰/۱۲ واحد افزایش می‌یابد. لازم به توضیح است، اطلاعات جدول همچنین نشان دهنده وجود اثر مثبت و

سال t که بر حسب درصد می‌باشد.
 $EX_{i,t}$ میزان صادرات کشور i در سال t که به قیمت جاری دلار می‌باشد.

$IM_{i,t}$ میزان واردات کشور i در سال t که به قیمت جاری دلار می‌باشد.

$GDP_{i,t}$: محصول ناخالص داخلی کشور i در سال t به قیمت جاری (دلار).

$EG_{i,t}$: رشد درآمد سرانه کشور i در سال t که به درصد می‌باشد.

$\dot{P}_{i,t}$: نرخ تورم کشور i در سال t که به درصد می‌باشد.

$IFD_{i,t}$: شاخص توسعه مالی بین‌الملل کشور i در سال t که به درصد می‌باشد.

e : جمله اخلاص مدل می‌باشد.

قبل از تخمین الگوی فوق لازم است به منظور انتخاب بین مدل داده‌های تلفیقی و مدل اثر ثابت آزمون چایا آزمون F را انجام دهیم. فروض این آزمون عبارتند از:

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_{N-1}$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \dots \neq \mu_{N-1}$$

μ ضریب متغیر موهومی در مدل اثر ثابت است. قبول فرض H_0 به معنی وجود داده‌های تلفیقی و استفاده از تخمین OLS برای حل مدل است و رد این فرض به معنی وجود مدل اثر ثابت و استفاده از روش داده‌های تابلویی برای حل مدل می‌باشد (گجراتی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). با فرض نرمال بودن توزیع جملات اخلاص آزمون فوق را برای الگوی فوق به صورت زیر انجام می‌دهیم:

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / (N - 1)}{URSS / (NT - N - K)}$$

که در آن $RRSS$ بیانگر مجموع مربعات پسماندهای مقید حاصل از روش حداقل مربعات معمولی، $URSS$ بیانگر مجموع مربعات پسماندهای غیرمقید حاصل از روش حداقل مربعات با متغیر موهومی، T تعداد سال‌های مورد بررسی، N تعداد مقاطع و K تعداد متغیر توضیحی می‌باشد. پس از برآورد الگوی فوق به روش حداقل مربعات، آزمون فوق انجام شد و با توجه به اینکه F به دست آمده بزرگ‌تر از F جدول بوده است لذا فرضیه H_0 رد می‌شود و برای برآورد الگو نمی‌توان از

بین‌الملل، با توجه به محاسبات صورت گرفته بیشترین امتیاز در این زمینه مربوط به کشورهای ترکیه و عربستان و کمترین امتیاز نیز متعلق به کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان می‌باشد. همچنین در مورد تأثیر توسعه مالی بین‌الملل بر جهانی شدن اقتصاد، محاسبات انجام شده نشان می‌دهند که توسعه مالی بین‌الملل طی سال‌های مورد مطالعه بر جهانی شدن اقتصاد کشورهای منطقه اثر مثبت داشته که با توجه به آماره t این اثر معنی‌دار نیز بوده است. همچنین ضریب زاویه این شاخص نیز نشان می‌دهد، به ازای یک واحد افزایش و بهبود در شاخص توسعه مالی بین‌الملل، جهانی شدن اقتصاد کشورهای منطقه $۰/۱۲$ واحد افزایش می‌یابد.

در نهایت اینکه با توجه به نتایج به دست آمده در خصوص توسعه بازارهای بین‌الملل در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، ایجاد ثبات در توسعه ساختار مالی کشورهای فوق مخصوصاً کشورهای با اقتصاد نفتی مثل ایران که در معرض نوسانات شدید تکان‌های نفتی است، ضروری است. این ثبات ساختار باعث می‌گردد تا سیستم مالی کشور در مقابل نوسانات سیاسی یا اقتصادی دچار بحران نگردد. در خصوص توسعه مالی بین‌الملل در ایران، پیشنهاد می‌شود که بسترهای لازم جهت حضور بانک‌های خارجی با هدف گسترش رقابت و کارایی در عرضه خدمات مالی در کشور صورت گیرد، و همچنین پیشنهاد می‌شود که بانکداری بین‌المللی و منطقه‌ای با همکاری بانک‌های دولتی و خصوصی ایران با بانک‌های سایر کشورها گسترش یابد و نیز، خصوصی سازی و ادغام و خرید در صنعت بانکداری و بازارهای مالی ایران و بازارهای مالی بین‌المللی به منظور افزایش رقابت و کارایی در این بازار جهت توسعه مالی بازارهای مالی کشور، از طریق توانمندسازی نهادهای مالی توسعه یکی دیگر از پیشنهادات می‌باشد. دیگر اینکه، آزادسازی بخش مالی بین‌الملل شامل کاهش کنترل‌های اعتباری، مقررات‌زدایی نرخ‌های سود، ورود آسان به بخش بانکی بین‌المللی، استقلال بانک مرکزی و خصوصی‌سازی بخش بانکی که به آزادسازی سرمایه منتهی می‌شود، از دیگر پیشنهاداتی است که توصیه می‌شود تا در کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی و ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مهم صادرکننده نفت صورت گیرد که در این زمینه

معنی‌دار رشد اقتصادی بر جهانی شدن اقتصاد می‌باشد اما این رابطه در خصوص نرخ تورم منفی اما بی‌معنی در سطح ۵ درصد می‌باشد. بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌گردد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، سنجش توسعه مالی بین‌الملل و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد در کشورهای جنوب غربی آسیا، با تأکید بر کشور ایران می‌باشد. روش اصلی تحقیق حاضر تحلیلی - توصیفی می‌باشد. ابتدا اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده، از طریق نرم‌افزار Excel سازمان‌دهی و توصیف شده و سپس با توجه به مدل رگرسیون و با کمک نرم‌افزار Eviews رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس با استفاده از اطلاعات موجود، و با کمک آمار توصیفی و نرم‌افزار Excel، تحلیلی از اطلاعات و داده‌های مربوط به شاخص‌های مربوط به توسعه مالی بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد ارائه شده است. سپس با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و الگوهای رگرسیونی روابط بین توسعه مالی بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد در کشورهای منطقه از طریق روش پنل دیتا (روش داده‌های تابلویی) مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند. در این تحقیق، به منظور سنجش توسعه مالی بین‌الملل، از شاخص ناموزون موریس، و برای سنجش جهانی شدن اقتصاد از شاخص مجموع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی کشورها استفاده شده است. نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین شاخص توسعه مالی بین‌الملل در منطقه آسیای جنوب غربی طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۴ معادل $۰/۲۱$ برآورد شده است. همچنین محاسبات انجام شده نشان می‌دهند که بالاترین میانگین شاخص توسعه مالی بین‌الملل طی سال‌های مذکور مربوط به کشورهای عربستان و ترکیه بوده و در مقابل کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان کمترین میانگین شاخص توسعه مالی بین‌الملل را در طی این دوره بین سایر کشورهای منطقه به خود اختصاص داده‌اند. همچنین متوسط امتیاز شاخص توسعه مالی بین‌الملل ایران طی دوره ذکر شده معادل $۰/۳۹$ به دست آمده است که با این امتیاز رتبه سوم را بین کشورهای منطقه کسب نموده است. در زمینه سطح نسبی توسعه یافتگی بخش مالی

تجدید ساختار مالی یا آزادسازی مالی ملی و بین المللی نقش

راهبردی در این امور ایفا می نمایند.

منابع

- ابونوری، عباسعلی و تیموری، منیژه (۱۳۹۲). "بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی: مقایسه‌ای بین کشورهای OECD و UMI". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره یازدهم، ۲۹-۴۰.
- اسدی، زیور؛ بهرامی، جاوید و طالبلو، رضا (۱۳۹۲). "تأثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره دهم، ۲۶-۹.
- آذربایجان، کریم؛ مرادپور اولادی، مهدی و نجفی، زهرا (۱۳۹۳). "آزاد سازی تجاری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران". پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال نهم، شماره ۱۸، ۳۰-۱۳.
- تقوی، مهدی؛ باقری پرمهر، شعله و مهاجری، پریسا (۱۳۹۰). "بررسی وجود شکست ساختاری در رابطه میان توسعه بخش مالی و رشد اقتصادی و استخراج میزان بهینه ارایه تسهیلات بانکی به بخش خصوصی". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۴، ۵۴-۳۷.
- ثانی، رضا (۱۳۸۲). "زیر موج جهانی شدن". تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و توسعه معاصر، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۸۱.
- جعفری صمیمی، احمد و حسینی، سید محسن (۱۳۸۶). "بررسی رابطه بین مزیت نسبی ارزش افزوده و توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی استان خراسان و مقایسه آن با سایر استان‌های کشور". مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، آبان ۱۳۸۶، ۱۳۰-۱۰۹.
- جعفری صمیمی، احمد؛ فرهنگ، صفر؛ رستم‌زاده، مهدی و محمدزاده، مهدی (۱۳۸۸). "تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره ۴، ۲۱-۱.
- حری، حمیدرضا؛ جلائی سید عبدالمجید و یوسفوند، سامان (۱۳۹۳). "بررسی اثر جهانی شدن روی رابطه مبادله خالص، ناخالص و درآمد کل ایران با استفاده از مدل VAR". پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال نهم، شماره ۱۷، ۷۴-۵۳.
- حکمتی فرید، صمد؛ عزتی شورگلی، احمد؛ عزتی، رضا و دهقانی، علی (۱۳۹۴). "تأثیر جهانی شدن و کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمدهای سرانه پایین، درآمد سرانه متوسط و درآمد سرانه بالا". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۵، شماره هیجدهم، ۱۱۲-۹۵.
- دادگر، یداله و نظری، روح‌الله (۱۳۸۸). "ارزیابی شاخص‌های توسعه مالی در ایران". اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، ۳۷-۱.
- دل‌انگیزان، سهراب و سنجری، فرهاد (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین فقر و توسعه مالی در اقتصاد ایران طی دوره‌های زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۲". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال سیزدهم، شماره اول، ۸۹-۶۵.
- راستی، محمد (۱۳۸۹). "بررسی رابطه توسعه مالی و تجارت بین‌الملل در کشورهای در حال توسعه (رویکرد علت و معلولی و مقایسه کشورهای صادرکننده و غیر صادرکننده نفت)". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال پانزدهم، شماره ۴۵، ۴۷-۲۵.
- راستی، محمد (۱۳۹۱). "رابطه علت و معلولی میان باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه: مطالعه موردی کشورهای عضو گروه دی هشت". ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۵۳، ۶۰-۵۵.
- رفعت، بتول و بیک‌زاده، سعیده (۱۳۹۱). "کاربرد الگوی معادلات همزمان داده‌های تابلویی در تحلیل نقش یک پارچگی اقتصادی در اکو بر رشد و اشتغال". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره دوم، شماره هشتم، ۲۲-۹.
- سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و همت‌زاده، منیره (۱۳۹۱). "بررسی مقایسه‌ای تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی

(۱۳۹۰). "بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران". *پژوهشنامه اقتصادی*، سال یازدهم، شماره اول، ۲۹-۱.

کومسا، آسفا (۱۳۷۸). "جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه". *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، شماره ۱۴۷ و ۱۴۸، آذر و دی، ۹۷-۸۵.

گجراتی، دامودار (۱۳۸۵). "مبانی اقتصادسنجی". ترجمه دکتر حمید ابریشمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، جلد دوم.

لطفعلی پور، محمدرضا؛ فلاحی، محمدعلی و اسماعیل پورمقدم، هادی (۱۳۹۳). "اثر رشد اقتصادی، تجارت و توسعه مالی بر کیفیت محیط زیست در ایران (بر اساس شاخص ترکیبی)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۷۶-۶۱.

مالک، محمدرضا (۱۳۸۸). "جهانی شدن اقتصاد (از رویا تا واقعیت)". تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، دیماه ۱۳۸۸.

مبینی دهکردی، علی و هاشمیان اصفهانی، مسعود (۱۳۸۵). "شناخت محیط ملی: اولویت توسعه بخش‌ها در مناطق مختلف ایران". تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵.

مدهوشی، مهرداد و تازی، غفار (۱۳۸۶). "استراتژی‌های توسعه صادرات غیرنفتی استان مازندران". *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۲۳۳-۱۹۵.

منصف، عبدالعلی؛ ترکی، لیلا و علوی، سید جابر (۱۳۹۲). "تحلیل اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه D-8: علیت گرنجر پانلی با رویکرد بوت استرپ (۱۹۹۰-۲۰۱۰)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره سوم، شماره دهم، ۹۲-۷۳.

نجاززاده، رضا و مهدوی راسخ، الهام (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه D8". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

واعظ، محمد و میرفندرسکی، سید محمد میثم (۱۳۹۰). "اثر نرخ تورم بر توسعه مالی در ایران و کشورهای عربی

تحت اطلاعات نامتقارن (مورد مطالعه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال سوم، شماره نهم، ۴۰-۲۵.

سلمانی، بهزاد و امیری، بهزاد (۱۳۸۸). "توسعه مالی و رشد اقتصادی: مورد کشورهای در حال توسعه". *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ششم، شماره ۴، ۱۴۵-۱۲۵.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و فعلی، پریسا (۱۳۹۰). "تأثیر توسعه مالی بر بهره‌وری کل عوامل در ایران". *فصلنامه اقتصاد تجارت نوین*، شماره‌های ۲۳ و ۲۴، ۱۳۳-۱۱۱.

شکیبایی، علیرضا و بطا، فاطمه کبری (۱۳۸۸). "همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی". *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، دوره ۱۴، شماره ۵۳، ۴۷-۲۳.

صادقی، حسن؛ صامتی، مجید و سامتی، مرتضی (۱۳۹۱). "تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت: مطالعه کشورهای منتخب آسیایی". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۲، شماره ششم، ۲۴۹-۲۰۹.

صمدی، علی حسین (۱۳۸۸). "سرمایه اجتماعی و توسعه مالی: اقتصاد ایران (۱۳۸۵-۱۳۵۰)". *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۴، شماره ۳، ۱۴۴-۱۱۷.

طیبنیا، علی و صفایی، ریحانه (۱۳۹۰). "بررسی مقایسه‌ای از توسعه بازار پول و رشد اقتصادی در کشورهای گروه OECD و ECO". *مجله علمی پژوهشی نامه مفید*، شماره ۶۹، ۵۴-۳۱.

عاشورزاده، اعظم؛ مقدسی، محدثه و رضوی، سید عبداله (۱۳۹۲). "اثر جهانی شدن اقتصاد و تجارت بر رشد اقتصادی مدل خودتوضیحی برداری". اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، ۲۸ آذر، ۱۳۹۲.

عزیززاده، صمد؛ تازی، فتح‌ا... و سید نورانی، سید محمدرضا (۱۳۹۰). "الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و اثر آن بر واردات کالاهای سرمایه‌ای-واسطه‌ای ایران". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، شماره سوم، ۱۳۴-۹۹.

قنبری، علی؛ آقایی خوندابی، مجید و رضا قلی‌زاده، مهدیه

- فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۶، ۸۸-۷۳.
- Bagehot, W. (1873). "Lombard Street: A Description of Money Market". Orion, 10359.
- Becker, B. & Greenberg, D. (2005). "Financial Development and International Trade". World Bank.
- Bencivenga, V. R. & Smith, B. D. (1991). "Financial Intermediation and Endogenous Growth". *Review of Economics Studies*, 58(2), 195-209.
- Bencivenga, V. R., Smith, B. D. & Starr, R. M. (1995). "Equity Markets, Transaction Costs, and Capital Accumulation". Washington, D.C.: The World Bank, Policy Research Dept, Finance and Private Sector Development Division.
- Bhagwati, J. (2005). "In Defense of Globalization: It Has a Human Face". Oxford University Press.
- Bolbol, A., Fatheldin, A. & Omran, M. (2005). "Financial Development, Structure and Economic Growth". *Research in International Business and Finance*, 19(1), 171-194.
- Choong, C. & Chan, S. (2011). "Financial Development and Economic Growth: A Review", *African Journal of Business Management*, 5(6), 2017-2027.
- Dreher, A., Gaston, N. & Martens, P. (2008). "Measuring Globalization Gauging its Consequences". New York: Springer.
- Fukuyama, F. (2001). "Social Capital, Civil Society and Development". *Third World Quarterly*, 22(1), 7-20.
- Gemmell, N., Kneller, R. & Sanz, I. (2008). "Foreign Investment, International Trade and the Size and Structure of Public Expenditures". *European Journal of Political Economy*, 24(1), 151-171.
- خاورمیانه". *مجله راهبرد توسعه*، شماره ۲۶، ۳۱-۴۷.
- یحیی زاده‌فر، محمود؛ طهرانچیان، امیرمنصور و حامی، مهیار (۱۳۹۳). "سرمایه اجتماعی و توسعه مالی در ایران".
- Giddens, A. (1995). "Is Modernity a Western Project". London, Polity Press.
- Gourgul, H. & Lach, L. (2014). "Globalization and Economic Growth: Evidence from two Decades of Transition in CEE". *Economic Modelling*, 36, 99-107.
- Greenwood, J. & Jovanovic, B. (1990). "Financial Development, Growth, and The Distribution of Income". *Journal of Political Economy*, 98(5), 1076-1107.
- Herbert, A. S. (1987). "Making Management Decision: The Role of Intuition and Emotion". *Academy of Management Executive*, 1(1), 57-64
- Hur, J., Manoj, R. & Yohanes, E. (2006). "Finance and Trade: A Cross-Country Empirical Analysis on the Impact of Financial Development and Asset Tangibility on International Trade". *World Development*, 34(10), 1728-1741.
- Jafari Samimi, A. & Hosseini, M. (2008). "An Investigation of Relationship between Revealed Comparative Advantage of Value-Added In Agriculture Sector and Economic Development of Khorasan Province". *American- Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Sciences*, 2(2), 113-117.
- Kabir, M., Sanchezb, B. & Jung- Suk Yuc. (2011). "Financial Development and Economic Growth: New Evidence from Panel Data". *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51, 88-104.
- Kar, M., Nazlıoğlu, S. & Ağır, H. (2011). "Financial Development and Economic Growth Nexus in the MENA Countries: Bootstrap Panel Granger Causality Analysis". *Journal of Economic Modelling*, 28, 685-693.

- Khan, U. (2005). "Macro Determinants of Total Factor Productivity In Pakistan". Munich Personal RePEc Archive, MPRA Paper 8693, 2. Retrieved from <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/8693/>.
- King, R. & Levine, R. (1993). "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right". *Quarterly Journal of Economics*, 108, 717-738.
- Kojo, M., Saban, N. & Yemane, W. (2014). "Financial Development, Trade Openness And Economic Growth in African Countries: New Insights From A Panel Causality Approach". *Economic Modelling*, 37, 386-394.
- Kose, M., Prasad, S. & Terrones, M. (2008). "Does Openness to International Financial Flows Contribute to Productivity Growth?". *Iza Discussion Papers From Institute for The Study of Labor (IZA)*, Paper 3634.
- Kotwal, A., Ramaswami, B. & Wadhwa, W. (2010). "Economic Liberalization and Indian Economic Growth". *Journal of Economic Literature*, 49(4), 1152-1199.
- Krugman, p. (1996). "Past And Prospective Causes of High Unemployment". *Economic Review*, 79, 23-47.
- Liang, Z. (2012). "Financial Development and Income Distribution: A System-GMM Panel Analysis With Application to Urban China". *Journal of Economic Development*, 31(2), 1-28.
- McGrew, T. (1996). "A Global Society". Cambridge, Polity Press.
- Motameni, M. (2008). "Studying The Relationship between Financial Development and Economic Development in Iran". *Commercial Research*, 34, 59-66.
- Nataraj, S. (2009). "The Impact of Trade Liberalization on Productivity and Firm Size: Evidence from India's Formal and Informal Manufacturing Sectors". Berkeley: <https://books.google.com/books?isbn=981440106>.
- Papaioannou, E. (2013). "Trust(ing) in Europe? How Increase Social Capital can Contribute To Economic Development". *European View*, 12(2), 1-130.
- Rao, B. & Valadamantic, K. (2010). "Globalization & Growth in the Low Income African Countries with the Extreme Bounds Analysis". *Journal of Economic Modelling*, 28(3), 795-810.
- Ritab, S. (2013). "Financial Sector Development and Sustainable Economic Growth in Regionally Co-Integrated Emerging Markets". *Advances in Financial Economics*, 12, 345-360.
- Robertson, R. (2002). "Opposition and Resistance to Globalization". In Richard Grant and John Rennie Short(eds), *Globalizatio and the Margins*, New York: Palgrave, 25-38.
- Rousseau, P. & Wachtel, P. (2005). "Economic Growth and Financial Depth: is The Relationship Extinct Already?" UNU/WIDER Conference on Financial Sector Development for Growth and Poverty Reduction, July1-2, Helsinki.
- Sadrosky, P. (2011). "Financial Development and Energy Concumption in Central and Eastern European Frontier Economics". *Energy Policy*, 39, 999-1006.
- Schumpeter, J. (1911). "The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle". Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Seyfipur, R. (2010). "Empirical Investigation of Financial Development Effect On Economic Growth". *Journal of Financial Studies*, 6, 49-70.
- Stiglitz, J. (1994). "The Role of the State in Financial Market". *Supplement to World Bank Economic Review and World Bank Research Observer*, 1-149.

- Svaleryd, H. & Velachos, J. (2005). "Financial Markets, the Pattern of Industrial Specialization and Comparative Advantage: Evidence from OECD Countries". *European Economic Review*, 49, 113-144.
- Ursprung, H. (2006). "The Impact of Globalization on the Composition of Government Expenditures: Evidence from Panel Data". *CESifo Working Paper*, Paper No.1755.
- World Bank. (2014). "2009-2012 World Development Indicators".

